

بسم الله الرحمن الرحيم

امام رضا سلام الله و صلواته عليه:

ان بسم الله الرحمن الرحيم اقرب الى اسم الله الاعظم من سواد العين الى بياضها

بسم الله الرحمن الرحيم، به اسم اعظم خداوند

نزدیک تر از سیاهی چشم به سفیدی اش است. عیون اخبار الرضا ج ۱

۱. مفاهیم پایه روش عام

مفاهیم پایه روش عام عبارتند از:

۱. در سطح توسعه شامل مفاهیم: ظرفیت، جهت، عاملیت

۲. در سطح ساختار شامل مفاهیم: محوری، تصرفی، تبعی

۳. در سطح کارآیی شامل مفاهیم: هماهنگی، وسیله، زمینه

۲. تعریف مفاهیم پایه روش عام

در سیر مباحث فلسفه نظام ولایت توضیح مبسوطی پیرامون این مفاهیم ارائه شده که برای توضیح آن‌ها رجوع به متن جلسات پژوهشی ضروری است. چنانچه توفیق خلاصه و یا تدوین مباحث مربوط به تعریف این مفاهیم حاصل شد، در مجلدات بعد تقدیم خواهد شد.

۳. ضرب مفاهیم پایه و روش تکثیر آن‌ها

در این قسمت که بخش ضمیمه‌ی کتاب روش تولید تعاریف کاربردی ارائه می‌شود، روش استفاده از مفاهیم پایه‌ی عام ارائه می‌گردد. توضیح این‌که کتاب مورد اشاره به صورت کامل و مجزا موجود و قابل استفاده است و نظر به این‌که بخش ضمائم آن به چگونگی ضرب مفاهیم پایه پرداخته بود، ضروری نمود تا به صورت جداگانه نیز مورد عنایت قرار گیرد.

ضمیمه (۱)

* روش تکثیر متقوم اصطلاحات *

در ضمیمه شماره ۱ گزارش مشروح تری از روش تکثیر اصطلاحات، ارائه می‌گردد. اما قبل از آن، بیانی اجمالی خواهیم داشت پیرامون علت بیان سه مرحله «تنظیم اصطلاحات، تعاریف و معادلات» برای علوم و تقدّم تنظیم اصطلاحات در آن.

اگر کارائی (غایت گرائی) در برنامه‌ریزی برای «تولید مفاهیم متناسب» اصل باشد، می‌بایست اولاً: فلسفه‌ای را که از عهده فراگیری تولید مفاهیم لازم برآید، بدست آورد ثانیاً: ادبیات متناسب با مفاهیم فوق‌الذکر را ایجاد نمود تا بتوان به قضایا و احکام لازم دست یافت. طبیعتاً ادبیات متناسب عبارت است از مجموعه قیودی که بتوان به کمک آن، اصطلاحات متناسب را پی‌ریزی نمود و سپس اصطلاحات یا کلمات متناسب با تولید مفاهیم را در مجموعه‌ای تنظیم نمود آن هم به نحوی که قدرت تعریف «مفاهیم مجموعه‌ای» را دارا باشد. پس از آن می‌توان حرکت به سوی «احکام» یا تناسباتی را که بر پایه تعاریف یاد شده قرار

داشته باشد؛ موضوع پژوهش قرار داد. کارائی آن احکام در جهت آن مقاصد (بر مبنای فلسفی یاد شده) اثبات کننده کارائی فلسفه کاربردی در جهت مقصد است. بنابراین پژوهش نظری و کاربردی (میدانی) مجموعاً در جهت کارائی خاص قرار می گیرد.

مشروح گزارش پیرامون روش تکثیر اصطلاح به شرح ذیل است: تکثیر اصطلاح در مبنای نظام ولایت به معنای ملاحظه ارتباطات و اوصاف بیشتر در جهت بالا بردن میزان دقت در آن می باشد. بنابراین باید به دنبال روشی بود که جمیع ارتباطات سه وصفی را که در صدد تکثیر آن هستیم؛ بیان دارد و آن روش «مضاف و مضاف الیه» قرار دادن این سه وصف برای یکدیگر است. این شیوه به ما امکان می دهد تا محصولات آن را از طریق نسبت دادن اوصاف به هم، ذاتاً به یکدیگر متقوم نمائیم.

اگر سه وصف ما «الف، ب و ج» باشد و این «اضافه قیود» بخواهد در قالب یک جدول نمایش داده شود به صورت شکل شماره ۱ در خواهد آمد.

	مضاف			مضاف الیه
	الف	ب	ج	
سطر ۱	الف	ب	ج	الف
سطر ۲	ب	ب	ب	ب
سطر ۳	ج	ج	ج	ج
	ستون ۱	ستون ۲	ستون ۳	

در شکل فوق «الف، ب و ج» در یک مرحله به خودش اضافه شده است. در سطر ۱ سه عنوان الف، ب، ج، مضاف برای «الف» در ستون سمت راست جدول قرار گرفته است. لذا در اصطلاحات داخلی سطر اول جدول (الف الف، ب الف، ج الف) ابتدا عناوین بالای جدول (الف، ب، ج) به عنوان «مضاف» سپس عنوان کنار جدول (الف) به عنوان مضاف الیه در ذیل آن قرار گرفته است، البته می‌توان از «مضاف و مضاف الیه» به عنوان «فرعی و اصلی» هم یاد کرد.

اما با یک مرحله مضاف و مضاف الیه قرار دادن سه وصف که ۹ وصف دو قیدی را نتیجه داد، همه ارتباط سه وصف با هم بیان نشده است و باید حد اولیه (۳) به توان خودش برسد تا جمیع ارتباطات سه وصف بررسی شده باشد. لذا لازم است تا عملیات فوق مجدداً بر روی اوصاف دو قیدی صورت پذیرد یعنی در سه جدول ۹ خانه‌ای مشابه، ابتدا ستون اول جدول شماره ۱ (الف الف، الف ب، الف ج) به عنوان مضاف در بالای جدول قرار گرفته و سه وصف سابق یعنی «الف، ب و ج» مضاف الیه آن قرار گیرد و سپس همین کار در مورد ستون دوم (ب الف، ب ب، ب ج) و ستون سوم (ج الف، ج ب، ج ج) هم صورت پذیرد که حاصل آن سه جدول ۹ خانه‌ای سه قیدی به شرح ذیل است.

الف	الف	الف	مضاف مضاف الیه
ج	ب	الف	
الف ج الف	الف ب الف	الف الف الف	الف
الف ج ب	الف ب ب	الف الف ب	ب
الف ج ج	الف ب ج	الف الف ج	ج

- جدول شماره ۲

ب	ب	ب	مضاف مضاف الیه
ج	ب	الف	
ب ج الف	ب ب الف	ب الف الف	الف
ب ج ب	ب ب ب	ب الف ب	ب
ب ج ج	ب ب ج	ب الف ج	ج

- جدول شماره ۳

ج ج	ج ب	ج الف	مضاف مضاف الیه
ج ج الف	ج ب الف	ج الف الف	الف
ج ج ب	ج ب ب	ج الف ب	ب
ج ج ج	ج ب ج	ج الف ج	ج

- جدول شماره ۴

مجموع جدول «۲، ۳ و ۴»، ۲۷ وصف سه قیدی تحویل داد که حاصل بیان تمامی ارتباطات سه وصف بدست آمده از حد اولیه نظام ولایت است به نحوی که هر عضو این مجموعه (یک وصف سه قیدی) قدرت تعریف یک فاعل را دارد^۱ لذا می توان مجموعه ۲۷ وصفی را کمترین مجموعه ای دانست که بررسی یک موضوع در آن ممکن است، در نتیجه هم بیان ارتباطات درونی موضوع حداقل با ۲۷ رابطه ممکن است و هم ارتباطات بیرونی آن با ۲۶ موضوع دیگر

۱ - بنا به حد اولیه، یک فاعل حداقل با سه وصف متقوم شناخته می شود که این سه قید عنوان برای آن سه وصف است.

(که با خود این موضوع ۲۷ عدد می شود) ممکن خواهد بود.

بنابراین کوچکترین مجموعه درونی، ۲۷ و کوچکترین مجموعه درونی و بیرونی ۷۲۹ (که حاصل ضرب ۲۷ در ۲۷ است) «وصف» خواهد داشت.

ظاهراً مضاف و مضاف الیه قرار دادن اوصاف به شیوه فوق حدّ یقف نداشته و می توان مرتب این عمل را تکرار کرد و در هر مرحله قید جدیدی به اوصاف اضافه نمود، اما براساس مبنای نظام ولایت چنین نبوده و این تکثیر حتماً باید حد خاصی داشته باشد، چون هر «نظام قابل تعریف»، نظامی ضرورتاً محدود است و باید در یک جا حد آن تمام شود و کمیت این حد در این مبنا با به توان ۲۷ رسیدن ۳ بدست می آید چون بزرگترین مجموعه، مجموعه ای است که هر عضو آن به اندازه کوچکترین (مجموعه ۲۷ قیدی) قید داشته باشد، بنابراین باید حد اولیه (۳) به توان تعداد قیود کوچکترین مجموعه درونی (۲۷) برسد تا حدّ کمی بزرگترین مجموعه بدست آمده باشد که حاصل آن ۷،۶۲۵،۵۹۷،۴۸۴،۹۸۷ میلیارد مجموعه است که هر مجموعه دارای ۲۷ فاعل سه وصفی بوده و هر وصف آن از طریق سه قید شناخته می شود.

شیوه تکثیر اصطلاحات از ۲۷ وصف سه قیدی تا ۷۶۰۰ میلیارد نظام ۲۷ عضوی^۱ همان شیوه ای است که از ۳ اصطلاح، ۹ اصطلاح و از ۹ اصطلاح ۲۷ اصطلاح بدست آمد؛ یعنی باید هر یک از ستونهای جدول ۲، ۳ و ۴ را در سطر بالای جدول نوشت و آنرا مضاف ۳ وصف اولیه

۱ - هر عضو از سه وصف سه قیدی تشکیل می یابد.

روش تکثیر اصطلاحات

(الف، ب، ج) قرار داد به این ترتیب در هر مرحله یک قید اضافه می شود تا به ۲۷ عضو سه قیدی برسد.

برای آشنائی بیشتر با اصطلاحات مورد نظر در این مبنا، به جای سه حرف «الف، ب، ج» سه وصف «توسعه، ساختار، کارائی» را که سه اصطلاح اصلی بودند؛ قرار داده و تکثیر می نمایم. بنابراین متناظر جدول شماره ۱ جدول شماره ۵ را خواهیم داشت.

مضاف	مضاف الیه		
	توسعه	ساختار	کارائی
توسعه	توسعه توسعه	ساختار توسعه	کارائی توسعه
ساختار	توسعه ساختار	ساختار ساختار	کارائی ساختار
کارائی	توسعه کارائی	ساختار کارائی	کارائی کارائی

- جدول شماره ۵ -

ستون اول این جدول بیانگر اولین سطح تقسیمات درونی توسعه، ستون دوم آن بیانگر اولین سطح تقسیمات درونی ساختار و ستون سوم آن بیانگر اولین سطح تقسیمات درونی کارائی است که اگر بخواهیم اصطلاح متناسب با این عناوین را برای آنها قرار دهیم به صورت ذیل در خواهد آمد:

توسعه توسعه = ظرفیت، توسعه ساختار = جهت و توسعه کارائی = عاملیت است (سه وصف توسعه).

ساختار توسعه = محوری، ساختار ساختار = تصرفی و ساختار کارائی = تبعی است (سه وصف ساختاری).

کارائی توسعه = هماهنگی، کارائی ساختار = وسیله، و کارائی کارائی = زمینه است (سه وصف کارائی).^۱

بنابراین در ادامه به جای ستون اول جدول شماره ۵، سه وصف «ظرفیت، جهت، عاملیت»،

به جای ستون دوم آن، سه وصف «محوری، تصرفی، تبعی» و به جای ستون سوم آن،

«هماهنگی، وسیله، زمینه» را قرار می دهیم که به شکل ذیل در می آید»

مضاف مضاف الیه			
	توسعه	ساختار	کارائی
توسعه	ظرفیت	محوری	هماهنگی
ساختار	جهت	تصرفی	وسیله
کارائی	عاملیت	تبعی	زمینه

اوصاف توسعه اوصاف ساختار اوصاف کارائی

جدول شماره ۶

۱ - غرض از ذکر این قسمت صرفاً آشنائی با روش تکثیر اصطلاحات است تا اصطلاحات بکار گرفته شده در آینده با ذهن بیگانه نباشد، چه اینکه تشریح بیشتر آن و معنا کردن هر یک از اصطلاحات جزو مستقلی را می طلبد.

حال اگر هر یک از تقسیمات درونی مربوط به یکی از ابعاد «توسعه، ساختار، کارائی» را مبدأ تکثیر اصطلاحات قرار دهیم و با شیوه قبل، در سطر و ستون مضاف و مضاف الیه برای خودش قرار دهیم و این عمل را تا ۲۷ مرتبه تکرار نمائیم تا به ۳۲۷ برسیم، سه مجموعه بزرگ از اصطلاحات خواهیم داشت که یک دسته مربوط به اوصاف توسعه، یک دسته مربوط به اوصاف ساختار و دسته سوم مربوط به اوصاف کارائی است و در هر مجموعه حدوداً ۷۶۰۰ میلیارد وصف ۲۷ عضوی وجود دارد که اگر اصطلاحات مربوط به سه بعد موضوع (که در سه مجموعه جداگانه هستند) روی هم قرار گرفته و با هم ترکیب شوند (تا مجموعه آنها معرف یک نظام موضوعات باشد) حدوداً ۷۶۰۰ میلیارد اصطلاح ۸۱ عضوی را که دارای ۲۴۳ قید می باشد در اختیار خواهیم داشت که برای نمایش آن در جدول تا سطح ۲۷ وصف ۹ قیدی، می بایست سه مرحله ذیل را پشت سر گذارد. مرحله اول: دو قیدی شدن اوصاف هر یک از سه بعد در سه

جدول شماره ۷

جدول مجزا:

مضاف مضاف الیه	ظرفیت	جهت	عاملیت
ظرفیت	ظرفیت	جهت	عاملیت
	ظرفیت	ظرفیت	ظرفیت
جهت	ظرفیت	جهت	عاملیت
	جهت	جهت	جهت
عاملیت	ظرفیت	جهت	عاملیت
	عاملیت	عاملیت	عاملیت

مضاف	مضاف الیه		
	محموری	تصرفی	تبعی
محموری	محموری	تصرفی	تبعی
تصرفی	تصرفی	تصرفی	تبعی
تبعی	تبعی	تصرفی	تبعی

جدول شماره ۸

مضاف	مضاف الیه		
	هماهنگی	وسیله	زمینه
هماهنگی	هماهنگی	وسیله	زمینه
وسیله	وسیله	وسیله	زمینه
زمینه	زمینه	وسیله	زمینه

جدول شماره ۹

مرحله دوم: سه قیدی شدن اوصاف هر یک از سه بعد در ۹ جدول مجزا به وسیله وصف قرار گرفتن اوصاف دو قیدی که در جدول ۱۰، ۱۱، ۱۲ اوصاف سه قیدی توسعه، در جدول ۱۳، ۱۴، ۱۵ اوصاف سه قیدی ساختار و در جدول ۱۶، ۱۷، ۱۸ اوصاف سه قیدی کارائی نمایش داده می شود.

مضاف مضاف الیه	ظرفیت ظرفیت	ظرفیت جهت	ظرفیت عاملیت
ظرفیت	ظرفیت ظرفیت ظرفیت	ظرفیت جهت ظرفیت	ظرفیت عاملیت ظرفیت
جهت	ظرفیت ظرفیت جهت	ظرفیت جهت جهت	ظرفیت عاملیت جهت
عاملیت	ظرفیت ظرفیت عاملیت	ظرفیت جهت عاملیت	ظرفیت عاملیت عاملیت

- جدول شماره ۱۰ -

مضاف مضاف الیہ	مضاف	مضاف	مضاف
	مضاف	مضاف	مضاف
مضاف	مضاف	مضاف	مضاف
مضاف	مضاف	مضاف	مضاف
مضاف	مضاف	مضاف	مضاف
مضاف	مضاف	مضاف	مضاف

جدول شماره ۱۱

مضاف مضاف الیہ	مضاف	مضاف	مضاف
	مضاف	مضاف	مضاف
مضاف	مضاف	مضاف	مضاف
مضاف	مضاف	مضاف	مضاف
مضاف	مضاف	مضاف	مضاف
مضاف	مضاف	مضاف	مضاف

جدول شماره ۱۲

مضاف مضاف الیه	محوری محوری	محوری تصرفی	محوری تبعی
محوری	محوری محوری محوری	محوری تصرفی محوری	محوری تبعی محوری
تصرفی	محوری محوری تصرفی	محوری تصرفی تصرفی	محوری تبعی تصرفی
تبعی	محوری محوری تبعی	محوری تصرفی تبعی	محوری تبعی تبعی

- جدول شماره ۱۳ -

مضاف مضاف الیه	تصرفی محوری	تصرفی تصرفی	تصرفی تبعی
محوری	تصرفی محوری محوری	تصرفی تصرفی محوری	تصرفی تبعی محوری
تصرفی	تصرفی محوری تصرفی	تصرفی تصرفی تصرفی	تصرفی تبعی تصرفی
تبعی	تصرفی محوری تبعی	تصرفی تصرفی تبعی	تصرفی تبعی تبعی

- جدول شماره ۱۴ -

مضاف مضاف الیه	تبعی محوری	تبعی تصرفی	تبعی تبعی
محوری	تبعی محوری	تبعی تصرفی محوری	تبعی تبعی محوری
تصرفی	تبعی محوری تصرفی	تبعی تصرفی تصرفی	تبعی تبعی تصرفی
تبعی	تبعی محوری تبعی	تبعی تصرفی تبعی	تبعی تبعی تبعی

جدول شماره ۱۵

مضاف مضاف الیه	هماهنگی هماهنگی	هماهنگی وسيله	هماهنگی زمينه
هماهنگی	هماهنگی هماهنگی هماهنگی	هماهنگی وسيله هماهنگی	هماهنگی زمينه هماهنگی
وسيله	هماهنگی هماهنگی وسيله	هماهنگی وسيله وسيله	هماهنگی زمينه وسيله
زمينه	هماهنگی هماهنگی زمينه	هماهنگی وسيله زمينه	هماهنگی زمينه زمينه

جدول شماره ۱۶

مضاف مضاف الیه	وسيله هماهنگی	وسيله وسيله	وسيله زمينه
هماهنگی	وسيله هماهنگی هماهنگی	وسيله وسيله هماهنگی	وسيله زمينه هماهنگی
وسيله	وسيله هماهنگی وسيله	وسيله وسيله وسيله	وسيله زمينه وسيله
زمينه	وسيله هماهنگی زمينه	وسيله وسيله زمينه	وسيله زمينه زمينه

- جدول شماره ۱۷ -

مضاف مضاف الیه	زمينه هماهنگی	زمينه وسيله	زمينه زمينه
هماهنگی	زمينه هماهنگی هماهنگی	زمينه وسيله هماهنگی	زمينه زمينه هماهنگی
وسيله	زمينه هماهنگی وسيله	زمينه وسيله وسيله	زمينه زمينه وسيله
زمينه	زمينه هماهنگی زمينه	زمينه وسيله زمينه	زمينه زمينه زمينه

- جدول شماره ۱۸ -

چنانچه ملاحظه می شود در سه جدول منحصرأ تقوم اوصاف توسعه، در سه جدول منحصرأ تقوم اوصاف ساختار و در سه جدول دیگر منحصرأ تقوم اوصاف کارائی نمایش داده شده است. لذا در مرحله سوم برای مرتبط شدن اوصاف سه بعد با یکدیگر می بایست سه جدول مربوط به اوصاف توسعه را به صورت متشابهک بر روی سه جدول مربوط به اوصاف ساختار و حاصل آن را به صورت متشابهک بر روی سه جدول مربوط به اوصاف کارائی قرار داد یعنی جدول ۱۰، ۱۳، ۱۶ بر روی هم یک جدول ۹ قیدی و جدول ۱۱، ۱۴، ۱۷ بر روی هم یک جدول ۹ قیدی دیگری و جدول ۱۲، ۱۵، ۱۸ بر روی هم یک جدول ۹ قیدی سوم را تشکیل می دهد که نمایش آن به

صورت ذیل است:

اوصاف توسعه - اوصاف ساختار - اوصاف کارائی -	ظرفیت ظرفیت ظرفیت محوری محوری محوری همانگی زمینیه همانگی	ظرفیت ظرفیت ظرفیت محوری محوری محوری همانگی وسیله همانگی	ظرفیت ظرفیت ظرفیت محوری محوری محوری همانگی زمینیه همانگی
اوصاف توسعه - اوصاف ساختار - اوصاف کارائی -	ظرفیت ظرفیت ظرفیت محوری محوری محوری همانگی زمینیه وسیله	ظرفیت ظرفیت ظرفیت محوری محوری محوری همانگی وسیله همانگی	ظرفیت ظرفیت ظرفیت محوری محوری محوری همانگی زمینیه همانگی
اوصاف توسعه - اوصاف ساختار - اوصاف کارائی -	ظرفیت ظرفیت ظرفیت محوری محوری محوری همانگی زمینیه همانگی	ظرفیت ظرفیت ظرفیت محوری محوری محوری همانگی وسیله زمینیه	ظرفیت ظرفیت ظرفیت محوری محوری محوری همانگی زمینیه همانگی

- جدول شماره ۱۹ -

۱ - خالی بودن اطراف جدول ۱۹، ۲۰، ۲۱ بدان خاطر است که این سه جدول حاصل مضاف و مضاف الیه شدن سه جدول مربوط به خود نیستند، بلکه از تطبیق متشابهک آنها بر روی هم بدست آمده است.

اوصاف توسعه ← اوصاف ساختار ← اوصاف کارائی ←	جهت ظرفیت ظرفیت تصرفی تصرفی محوری وسيله هماهنگی	جهت ظرفیت تصرفی تصرفی محوری وسيله هماهنگی	جهت ظرفیت ظرفیت تصرفی تصرفی محوری وسيله هماهنگی
اوصاف توسعه ← اوصاف ساختار ← اوصاف کارائی ←	جهت ظرفیت تصرفی تصرفی محوری وسيله هماهنگی	جهت ظرفیت تصرفی تصرفی محوری وسيله هماهنگی	جهت ظرفیت تصرفی تصرفی محوری وسيله هماهنگی
اوصاف توسعه ← اوصاف ساختار ← اوصاف کارائی ←	جهت ظرفیت تصرفی تصرفی محوری وسيله هماهنگی	جهت ظرفیت تصرفی تصرفی محوری وسيله هماهنگی	جهت ظرفیت تصرفی تصرفی محوری وسيله هماهنگی

- جدول شماره ۲۰ -

اوصاف توسعه ← اوصاف ساختار ← اوصاف کارائی ←	عاملیت ظرفیت تبعی تصرفی محوری زمینه هماهنگی	عاملیت ظرفیت تبعی تصرفی محوری زمینه هماهنگی	عاملیت ظرفیت تبعی تصرفی محوری زمینه هماهنگی
اوصاف توسعه ← اوصاف ساختار ← اوصاف کارائی ←	عاملیت ظرفیت تبعی تصرفی محوری زمینه هماهنگی	عاملیت ظرفیت تبعی تصرفی محوری زمینه هماهنگی	عاملیت ظرفیت تبعی تصرفی محوری زمینه هماهنگی
اوصاف توسعه ← اوصاف ساختار ← اوصاف کارائی ←	عاملیت ظرفیت تبعی تصرفی محوری زمینه هماهنگی	عاملیت ظرفیت تبعی تصرفی محوری زمینه هماهنگی	عاملیت ظرفیت تبعی تصرفی محوری زمینه هماهنگی

- جدول شماره ۲۱ -

جدول شماره ۱۹ (حاصل تطبیق جدول ۱۰، ۱۳، ۱۶) جدول شماره ۲۰ (حاصل تطبیق

جدول ۱۱، ۱۴، ۱۷) و جدول شماره ۲۱ (حاصل تطبیق جدول ۱۲، ۱۵، ۱۸)

حال اگر بخواهیم این سه جدول ۹ قیدی را خلاصه نمائیم، می‌توانیم به ذکر اوصاف اصلی از

هر ۹ قید اکتفا کنیم که در جدول شماره ۱۹، ۲۰ و ۲۱ وصف اصلی هر سه قید با فیلش، به وصف

اصلی سه قید شامل خود، ارتباط داده شده است. لذا در خلاصه‌گیری، جدول ۱۹، ۲۰، ۲۱ به

صورت ذیل در می‌آید.

همانگی تبعی ظرفیت	همانگی تصرفی ظرفیت	همانگی محوری ظرفیت	
همانگی تبعی جهت	همانگی تصرفی جهت	همانگی محوری جهت	
همانگی تبعی عاملیت	همانگی تصرفی عاملیت	همانگی محوری عاملیت	

جدول شماره ۲۲

وسیله تبعی ظرفیت	وسیله تصرفی ظرفیت	وسیله محوری ظرفیت	
وسیله تبعی جهت	وسیله تصرفی جهت	وسیله محوری جهت	
وسیله تبعی عاملیت	وسیله تصرفی عاملیت	وسیله محوری عاملیت	

- جدول شماره ۲۳

زمینه تبعی ظرفیت	زمینه تصرفی ظرفیت	زمینه محوری ظرفیت	
زمینه تبعی جهت	زمینه تصرفی جهت	زمینه محوری جهت	
زمینه تبعی عاملیت	زمینه تصرفی عاملیت	زمینه محوری عاملیت	

- جدول شماره ۲۴

خلاصه مراحل انجام شده عبارتست از اینکه: با سه اصطلاح اصلی، ۹ اصطلاح درونی مربوط به سه بعد «توسعه، ساختار، کارائی» بدست آمد و این ۹ وصف با دو مرحله مضاف و مضاف‌الیه شدن به ۲۷ وصف سه قیدی مبدل گشت که با روی هم قرار گرفتن جداول مربوط به سه بعد به صورت متشابه ۲۷ وصف ۹ قیدی بدست آمد و با خلاصه‌گیری ۹ قید هر وصف، مجدداً به ۲۷ وصف سه قیدی تبدیل شد.

چنانچه هر یک از سه وصف «ظرفیت، جهت، عاملیت»، «محوری، تصرفی، تبعی» و «هماهنگی، وسیله، زمینه» به توان ۲۷ رسد، می‌توان سه مجموعه ۷۶۰۰ میلیاردي ۲۷ عضوی بدست آورد پس مشابه عملیات انجام شده بر روی ۲۷ وصف ۹ قیدی (ادغام و خلاصه‌گیری) بر روی آن هم قابل تکرار است ولی فعلاً به علت مورد استفاده نبودن اصطلاحات بیش از مقدار بیان شده، از وارد شدن به آن اجتناب می‌ورزیم.

شیوه فوق در تکثیر اصطلاحات مزیتی دارد که برای بهره بردن از آن مزیت باید آن را مورد توجه قرار داد و نقصی دارد که برای جبران آن نقص می‌توان تغییر مختصری در شیوه تکثیر اصطلاح داد.

جوهره اصلی آنچه در شیوه فوق انجام می‌گیرد این است که سه وصف درونی هر یک از سه بعد به صورت مجزا مضاف و مضاف‌الیه شده و تا حد نهائی تکثیر در این مبنا، به پیش می‌رود و آخرالامر با روی هم قرار دادن جداول هر سه بعد به صورت متشابه ارتباط بین اوصاف سه بعد موضوع برقرار می‌شود؛ حال آنکه وجود این انفکاک و انفصال بین اوصاف ابعاد موضوع تا

سقف نهائی تکثیر و ارتباط دادن خارجی آنها بدون آنکه خود به صورت طبیعی به حکم «روش» ارتباط یابند، «تنگنای» متناسب با این مرحله از تکثیر است^۱.

در سطحی که بریدگی و انفصال عوامل تشکیل دهنده موضوع، در هیچ مرحله‌ای پذیرفته نیست و وابستگی همه عوامل به هم ضروری می‌باشد؛ انفکاک سه بعد و به صورت سه دسته مجزا در آمدن آنها، نقص محسوب می‌شود. برای رفع این نقیصه (با حفظ شیوه «مضاف و مضاف‌الیه قرار دادن اوصاف» برای تکثیر اصطلاحات) در اوصافی که مشخصاً مضاف و مضاف‌الیه برای هم قرار می‌گرفتند، تغییری صورت می‌دهیم؛ یعنی بجای آنکه سه وصف یک بعد (مثلاً ظرفیت، جهت، عاملیت) مرتباً برای خودشان مضاف و مضاف‌الیه قرار گیرند، در هر مرحله برای اوصاف بعد دیگر، وصف قرار می‌گیرند و به لحاظ حاکمیت توسعه بر ساختار و ساختار بر کارائی، ابتدا سه وصف کارائی مضاف برای سه وصف ساختار قرار می‌گیرد و در مرحله دوم اوصاف بدست آمده مضاف برای اوصاف توسعه می‌شود که نمایش بکارگیری این روش تا سطح بدست آمدن ۲۷ وصف به صورت ذیل است:

۱ - به دلیل گذر از مفاهیم تبعی به تصرفی و از تصرفی به محوری این تغییر در ترتیب مفاهیم در مراحل مختلف اجتناب ناپذیر است.

مضاف مضاف الیه	هماهنگی	وسیله	زمینه
محوری	هماهنگی محوری	وسیله محوری	زمینه محوری
تصرفی	هماهنگی تصرفی	وسیله تصرفی	زمینه تصرفی
تبعی	هماهنگی تبعی	وسیله تبعی	زمینه تبعی

جدول شماره ۲۵

مضاف مضاف الیه	هماهنگی محوری	هماهنگی تصرفی	هماهنگی تبعی
ظرفیت	هماهنگی ظرفیت	هماهنگی تصرفی	هماهنگی تبعی
جهت	هماهنگی محوری	هماهنگی تصرفی	هماهنگی تبعی
عاملیت	هماهنگی محوری	هماهنگی تصرفی	هماهنگی تبعی

جدول شماره ۲۶

مضاف مضاف الیه	وسیله محوری	وسیله تصرفی	وسیله تبعی
ظرفیت	وسیله محوری ظرفیت	وسیله تصرفی ظرفیت	وسیله تبعی ظرفیت
جهت	وسیله محوری جهت	وسیله تصرفی جهت	وسیله تبعی جهت
عاملیت	وسیله محوری عاملیت	وسیله تصرفی عاملیت	وسیله تبعی عاملیت

- جدول شماره ۲۷

مضاف مضاف الیه	زمینه محوری	زمینه تصرفی	زمینه تبعی
ظرفیت	زمینه محوری ظرفیت	زمینه تصرفی ظرفیت	زمینه تبعی ظرفیت
جهت	زمینه محوری جهت	زمینه تصرفی جهت	زمینه تبعی جهت
عاملیت	زمینه محوری عاملیت	زمینه تصرفی عاملیت	زمینه تبعی عاملیت

- جدول شماره ۲۸

چنانچه ملاحظه می‌شود جدول شماره ۲۳ عیناً مشابه خلاصه شده جدول ۱۹ و جدول شماره ۲۴ عیناً مشابه خلاصه شده جدول ۲۰ و جدول ۲۵ عیناً مشابه جدول شماره ۲۱ می‌باشد و این امر نشانگر آن است که با این روش، تقویم ابعاد به یکدیگر به صورت طبیعی انجام گرفته است؛ به خلاف روش قبل که به صورت تألیفی بوده و این ارتباط از خارج برقرار می‌گشت، لذا هرگاه بخواهیم اصطلاحات مربوط به هر بُعد از یکدیگر منفصل نگردند باید به این شیوه، اوصاف آنها را برای هم مضاف و مضاف‌الیه قرار دهیم.

اما مزیتی که روش اول دارد و موجب کنار نگذاردن آن می‌شود «معرفی شاخصه‌های بیشتر برای شناسائی هر وصف» است، بنابه شیوه دوم هر یک از اوصاف ۲۷ گانه با سه قید شناخته می‌شوند اما بنا به شیوه اول قبل از خلاصه‌گیری، هر وصف با ۹ قید معرفی می‌گردد و این امر ضریب دقت محاسبه را بالاتر می‌برد و ارتباط اوصاف را با عینیت آسانتر می‌نماید که این درجای خود مزیت قابل توجهی است.

نتیجه اینکه، اساس روش تکثیر اصطلاحات بر «مضاف و مضاف‌الیه نمودن اوصاف لازم به تکثیر» استوار است؛ اما در انتخاب اوصافی که در سطر (مضاف) یا ستون (مضاف‌الیه) جدول تکثیر اصطلاحات قرار می‌گرفت دو شیوه وجود داشت که مزیت هر یک بیان گردید.

لازم به تذکر است که تا اینجا با کوچکترین مجموعه درونی (۲۷)، کوچکترین مجموعه درونی و بیرونی (۷۲۹) و حدّ نهائی بزرگترین مجموعه (۷۶۰۰ میلیارد) بر مبنای نظام ولایت و

همچنین با اصطلاحات تکثیر شده تا ۲۷ وصف آشنا شده و در مجموع واضح شد که چگونه «تکثیر متقوم اوصاف شیوه حاکم بر تکثیر اصطلاحات» گشته است.

ضمیمه (۲)

* بررسی احتمالات مختلف پیرامون شاگله جدول مدل تعریف *

در انتخاب شکل مناسب برای جدول، احتمالات مختلفی بررسی شده است و معیار ارزیابی همه آنها سه مشخصه‌ای است که در متن کتاب عنوان گردید که عبارت بودند از ۱- امکان تقوم منزلتها در آن ۲- طبقه‌بندی مناسب وحدت و کثرت ۳- زمینه‌سازی کنترل تغییرات. در ضمیمه شماره ۲ به طرح و بررسی احتمالات دیگری پرداخته شده که علاوه بر آگاهی از احتمالات دیگر، منشاء تسلط بیشتر خوانندگان بر خصوصیات مورد نظر می‌شود که غیرمستقیم در فهم عمیق‌تر جدول مدل تعریف دخالت دارد.

احتمال (۱): بررسی شکل «جدول تکثیر اصطلاحات»

با شکل جدول اصطلاحات و همچنین شیوه تکثیر اصطلاحات در آن، قبلاً آشنا شدیم پس از

مروری اجمالی بر آنچه گذشت از نقطه نظر بحث جاری مجدداً بدان نظر می افکنیم.

تکثیر سه اصطلاح «توسعه، ساختار و کارائی» تا سطح ۲۷ وصف سه قیدی، در دو مرحله به

شکل زیر انجام می گرفت.

مضاف مضاف الیه	توسعه	ساختار	کارائی
توسعه	توسعه توسعه	ساختار توسعه	کارائی توسعه
ساختار	توسعه ساختار	ساختار ساختار	کارائی ساختار
کارائی	توسعه کارائی	ساختار کارائی	کارائی کارائی

- جدول شماره ۱

مضاف مضاف الیه	کارائی توسعه	کارائی ساختار	کارائی کارائی
توسعه	کارائی توسعه توسعه	کارائی ساختار توسعه	کارائی کارائی توسعه
ساختار	کارائی توسعه ساختار	کارائی ساختار ساختار	کارائی کارائی ساختار
کارائی	کارائی توسعه کارائی	کارائی ساختار کارائی	کارائی کارائی کارائی

- جدول شماره ۲

احتمالاتی پیرامون شاکلہ جدول مدل

مضاف مضاف الیہ	ساختار توسعه	ساختار ساختار	ساختار کارائی
توسعه	ساختار توسعه توسعه	ساختار ساختار توسعه	ساختار کارائی توسعه
ساختار	ساختار توسعه ساختار	ساختار ساختار ساختار	ساختار کارائی ساختار
کارائی	ساختار توسعه کارائی	ساختار ساختار کارائی	ساختار کارائی کارائی

۔۔ جدول شماره ۳

مضاف مضاف الیہ	توسعه توسعه	توسعه ساختار	توسعه کارائی
توسعه	توسعه توسعه توسعه	توسعه ساختار توسعه	توسعه کارائی توسعه
ساختار	توسعه توسعه ساختار	توسعه ساختار ساختار	توسعه کارائی ساختار
کارائی	توسعه توسعه کارائی	توسعه ساختار کارائی	توسعه کارائی کارائی

۔۔ جدول شماره ۴

حال باید دید چنین جدولی کدام یک از ویژگیهای سه گانه را داراست، این جدول وظیفه خود را که تکثیر متقوم عناوین است آن هم عناوینی را که به واسطه قیودش نسبتش با هر سه بُعد مشخص است؛ به خوبی انجام می دهد؛ اما ویژگیهایی را دارا نیست که ذیلاً طرح می گردد.

۱ - انعکاس متقوم منزلتها در آن ظهور ندارد، اساساً در آن «منزلت» تعریف نشده تا اینکه نسبت آن با سایرین معلوم باشد؛ یعنی صرف نظر از عناوین، همه خانه های موجود در هر جدول از منزلت مشابه برخوردار هستند.

۲ - سطوح مختلف طبقه بندی در آن تعیین نشده است، یعنی مراتب وحدت و کثرت در آن مشخص نیست. هر چند ترتیب خاصی را بین عناوین آن می توان برشمرد و در این مثال آنها را از «توسعه توسعه» تا «کارائی کارائی کارائی» به ترتیب اولویت در ۲۷ سطر در زیر هم نوشت؛ اما چنین اولویت بندی به معنای سیر از وحدت به کثرت نیست و «قاعده تعریف» را تحویل نمی دهد. در حالی که جدول تعریف باید گونه ای از تنظیمی را به عنوان قاعده تعریف معین نماید.

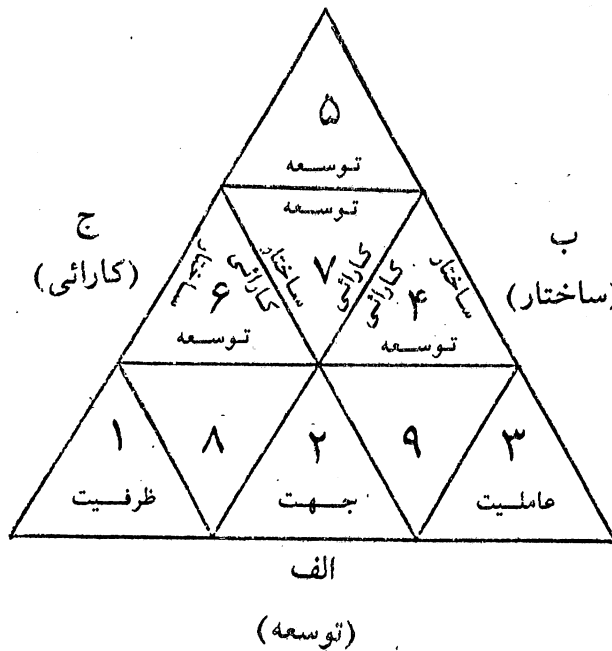
۳ - زمینه کنترل تغییر را فراهم نمی نماید؛ نطفه اصلی معادلات باید در جدول تعریف بسته شود؛ اما در جدول اصطلاحات چنین اتفاقی رخ نداده است، چرا که نه تشخیص تعادل از عدم تعادل به وسیله آن ممکن است و نه شیوه اصولی کنترل آثار و سیر رسیدن از یک مجموعه موضوعات به یک مجموعه آثار!

احتمالاتی پیرامون شاکله جدول مدل

احتمال (۲): بررسی شکل «مثلی» به عنوان شاکله اصلی جدول مدل تعریف

احتمال دیگری که به عنوان شاکله اصلی جدول تعریف به نظر می‌رسد شکل مثلی است که

درون آن هم به مثلثهای مشابه درونی، به صورت ذیل تقسیم می‌گردد:



جدول شماره ۵

این شکل ویژگی اول را دارا است اما فاقد ویژگی دوم و سوم است که ابتدا توضیحاتی پیرامون این شکل ارائه می‌گردد، در جدول شماره ۵ هر ضلع علامت یک بُعد موضوع بوده و تقسیمات هر ضلع تقسیمات همان بعد به شمار می‌آید و چون مبنای تقسیم ۳ فرض شده است حاصل سطح اول تقسیم، مثلی با ۹ مثلث درونی گشته است و با تکرار همین ترسیم در مورد هر مثلث درونی به ۸۱ مثلث درونی، قابل تقسیم است و همچنین است مراتب بعدی تقسیم!

چنانچه ملاحظه می‌گردد هر یک از اضلاع مثلثهای درونی (که یک منزلت را تشکیل می‌دهد) در مقابل یکی از ابعاد موضوع قرار گرفته است. این تقابل به عنوان نمونه، در مثلث درونی شماره ۷ نمایش داده شده است، در مورد مثلثهایی مانند مثلث شماره ۴ یا ۵ که یک ضلع یا دو ضلع آن از تقسیم یک ضلع مثلث بزرگ بدست آمده تصور این مسئله آسانتر است.

ارتباط هر مثلث درونی با سه بعد به شکل فوق، نشانگر تقویم منزلتها در این شکل است و به این ترتیب شکل مثلثی شرط اول از شروط سه گانه را اجمالاً دارا است، اما اینکه توان تنظیم نظام بین وحدت و کثرت منزلتها را هم دارد یا خیر؟ به شرط دوم (وجود طبقه‌بندی مناسب) وابسته است که بررسی آن خواهد آمد.

شکل مثلث در پذیرش شرط دوم (طبقه‌بندی مناسب کنترل تغییرات) و سوم (کنترل تغییرات) مانعی دارد که عبارت است از اینکه: شرط دوم را دارا نیست، زیرا عناوین داخلی آن به صورت مناسبی تکثیر نیافته اند^۱ سه موضوع داخلی «ظرفیت، جهت، عاملیت» را دارا است؛ اما خطی که علامت توسعه است در گوشه روبروی خود (در خانه شماره ۵) تنها می‌تواند یک موضوع را نشان دهد نه سه موضوع و نه بیشتر از آن، یعنی گویا تنها می‌تواند خود توسعه را نمایش دهد، لذا این نوع طبقه‌بندی با این اشکال مواجه است که در طبقات بعد - که باید تکثیر موضوعات صورت پذیرد - این شکل برعکس عمل می‌کند و به جای تبدیل سه موضوع به ۹ یا

۱ - سطح اول، تقسیم موضوع به سه ضلع، توسعه، ساختار، کارایی است.

احتمالاتی پیرامون شاکله جدول مدل

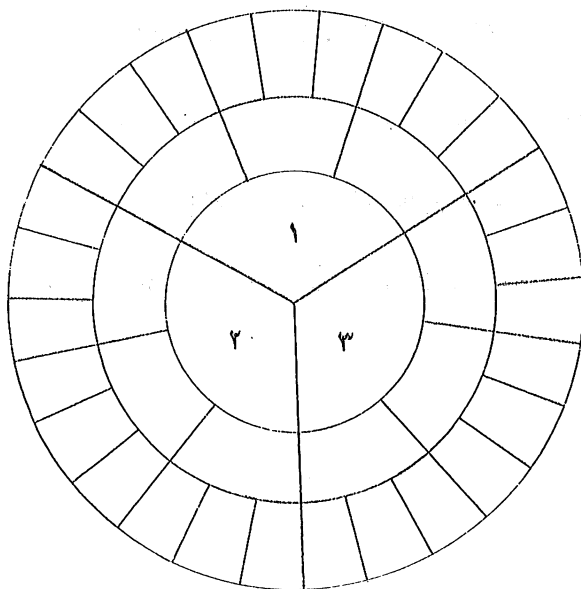
۲۷ موضوع، آن را مجدداً به ۱ تبدیل می‌کند. همین اشکال در طبقه‌بندی داخلی ضلع ساختار (در خانه شماره ۱) و در طبقه‌بندی داخلی ضلع کارائی (در خانه شماره ۳) مشهود است.

شرط سوم را نیز دارا نیست، زیرا این شیوه «مدل تنظیم جریان» نیست؛ برای تنظیم یک جریان باید دانست «چه موضوعاتی» از «چه طریقی»، «چه آثاری» را در پی دارند لذا باید تحلیل مقدماتی، بین «موضوع» و «اثر موضوع» صورت پذیرفته و طریق رسیدن از موضوع به اثر معلوم باشد و برای آنکه جدولی دارای چنین خصوصیتی باشد، می‌بایست برای هر یک از این مراحل محلی را در جدول پیش‌بینی نمود.

حاصل آنکه شکل مثلث نیز شکل هندسی مناسبی، برای جدول مدل تعریف نیست و توان پذیرش ویژگیهای مورد نظر را ندارد.

احتمال (۳): بررسی شکل دایره به عنوان شاکله اصلی جدول

در احتمالی دیگر می‌شود نتیجه را مرکز دایره فرض کرد و تقسیمات هر سطح را به صورت دوایری به مرکزیت این نقطه که در هر سطح بزرگتر می‌شود؛ ترسیم نمود به نحوی که در دایره اول سه منزلت، در سطح دوم ۹ منزلت و در سطح سوم ۲۷ منزلت پیش‌بینی شده باشد و به همین ترتیب در سطوح بعد، به نحوی که در شکل شماره ۶ آمده است.



جدول شماره ۶

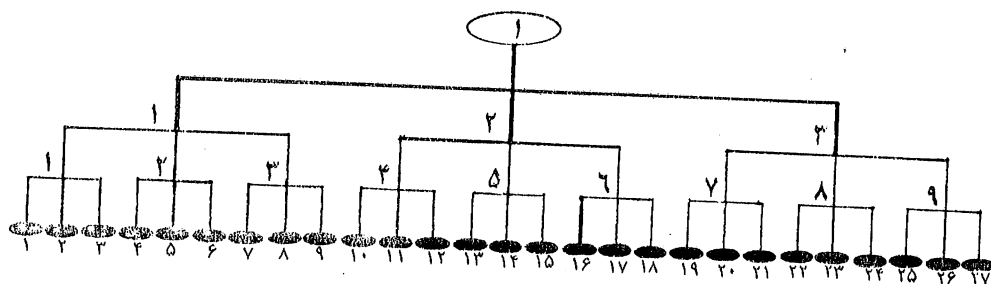
اما این شکل نیز هر چند ظاهراً در آن طبقه‌بندی وحدت به کثرت بر مبنای ۳ صورت پذیرفته است (یعنی شرط دوم را دارا است) اما شرط اول و سوم را دارا نیست؛ یعنی هم منزلت‌های آن متقوم نیستند چون هر بُعد را از بعد دیگر جدا کرده و منزلتاً آنها را در یکدیگر منعکس نکرده است و این تفکیک تا آخر ادامه یافته است و هم زمینه‌ساز کنترل تغییر نیست، چون رابطه خاصی بین موضوعات و آثار برقرار نشده تا معلوم باشد با وجود چه موضوعاتی چه آثاری ظاهر می‌شوند.

احتمال (۴): بررسی شکل درختی به عنوان شاکله اصلی جدول

احتمال چهارم ساده‌ترین شکلی است که ممکن است ابتدا برای نمایش تقسیم منزلت‌ها به

احتمالاتی پیرامون شاکله جدول مدل

ذهن آید، به این صورت که منتجه به صورت یک نقطه فرض شود و اولین سطح تقسیم (تقسیم به ۳ یا هر تعداد دیگری که مبنای تقسیم است) زیر آن نوشته شود و دومین سطح تقسیم پائین تقسیمات سطح اول قرار گرفته و سطح سوم نیز پائین تقسیمات سطح دوم قرار گیرد و به همین ترتیب سایر سطوح که در شکل ۷ نمایش داده شده است.



جدول شماره ۷

این شکل اگر نقصی نسبت به شکل قبل (دایره) نداشته باشد، مزیتی هم بر آن ندارد و هر اشکالی که بر احتمال سوم وارد است، بر این احتمال نیز وارد می گردد بدین معنا که شرط اول و سوم را دارا نیست؛ نه منزلتها در آن متقوم گشته و نه کنترل تغییرات را ممکن می سازد علاوه بر اینکه شکل آن ناظر به یک مجموعه بسته هم نیست.

لازم به یادآوری است که بررسی بیشتر این شکل در متن کتاب به مناسبت صورت پذیرفته

است.

ضمیمه (۳)

* اثبات ضرورت انتزاع شاخصه‌ها به عنوان مقدمه تعریف *

به مناسبت تقدم انتزاع شاخصه‌ها در تعریف و ملاحظه نسبت بین آنها به وسیله «تحلیل» شاخصه‌ها، در پاورقی استدلال اول ضرورت بررسی دو سؤال مطرح گشت به علت طولانی بودن جواب و مطرح شدن مباحث فلسفی در آن، ضمیمه شماره ۳ تنظیم گردید.

خلاصه سؤال چنین بود:

سؤال ۱: آیا پذیرش انتزاع شاخصه‌ها، به معنای به رسمیت شناختن اوصاف یک قیدی نیست؟ و حال آنکه چنین امری خلاف فرض ذکر شده در نظام اصطلاحات است.

سؤال ۲: «انتزاع» در دستگامی که بنا بر متقوم دیدن امور به یکدیگر دارد، چگونه موضوعیت یافته و از چه جایگاهی برخوردار است؟

جواب سؤال (۱): این سؤال دارای جوابی نقضی و جواب اثباتی می‌باشد؛ جواب نقضی آن

دائر مدار این سؤال است که آیا نسبت بین قیود اوصاف، ثابت و مطلق است یا قابل تغییر می‌باشد؟ «سؤال ۱» بر فرض ثبات نسبت بین قیود طرح شده و این فرض تالی فاسدی دارد و آن «تغیر پذیر نبودن قیود و به تبع آن اوصاف» است.

اگر سه قید روی هم یک وحدت یک پارچه با نسبت درونی غیر قابل تغییر را تشکیل دادند، این ثبات نسبت درونی به ثبات نسبت بیرونی هم سرایت می‌کند، چرا که نمی‌شود منزلت وصف نسبت به سایر اوصاف عوض شود اما این تغییر هیچ تأثیری در درون آن به جای نگذارد، پس برای حفظ ثبات درونی باید روابط بیرونی هم ثابت باشد و این به معنای تغییر پذیر نبودن اوصاف و قیود است. اوصاف باید ثابت، در جای خود ایستاده و هر چه در کمیت خود آنها یا کمیت سایر اوصاف، «تغییر» ایجاد شود، برای آنها بی تفاوت باشد و به هر تعداد که باشد از منزلت واحد و ثابتی برخوردار گردد و این تالی فاسدی است که فسادش غیر قابل انکار است. اگر تغییر نباشد تنظیم امور و برنامه ریزی، بحران و عدم بحران نقص و کمال، ثواب و عقاب همه و همه منتفی می‌گردند. بر این اساس معلوم می‌شود خاستگاه طرح سؤال، بر مبنای منطق نظام ولایت نبوده و این ناهماهنگی ملاحظه نمودن ناشی از عدم قدرت فراگیری تحلیل بر اساس اصالت شیء می‌باشد.

به همان دلیل که «ثبات نسبت» باطل بود «استقلال مطلق» قیود از یکدیگر هم باطل و هم غیر قابل پذیرش است در صورت انفصال قیود نیز اشکال عدم امکان تغییر، از جانب دیگر رخ می‌نماید.

حاصل نفی در احتمال فوق این می شود که نه همراهی قیود آن چنان مطلق است که هیچ نحو جدائی و تغییر در آن راه نداشته باشد و نه آن چنان نسبت به هم بیگانه اند که هیچ تأثیری از هم نپذیرند، بلکه سه قید متقوم را تشکیل می دهند که فرض استقلال آنها امکان دارد، اما نه «استقلال مطلق» بلکه «استقلال تبعی» که توضیح بیشتر آن در جواب سؤال ۲ می آید. قیود باید معرف وصف در مجموعه اوصاف باشند، اما اوصاف تغییرپذیر نه اوصاف ثابت، پس تعریف وصف باید با قیودی صورت پذیرد که تحمل تغییر را داشته باشند. به این ترتیب پیش بینی نسبت درونی و بیرونی مطلوب بین قیود ضروری بوده و راه برای آسیب شناسی درونی و بیرونی هموار می گردد.

علاوه بر این پذیرش انتزاع قیود از هم در مرحله ابتدائی، به معنای پذیرش اوصاف یک قیدی نیست، در نظام، فاعلیت اصل بوده و حداقل با سه قید تعریف می شود لذا «واحد در نظام» با سه قید تمام می گردد؛ اما نه سه قیدی که وحدت بسیطی را تحویل دهد یا سه موضوع مستقل از هم را، بلکه قیودی که امکان جابجا شدن آنها وجود داشته و جابجا شدنشان منشأ تغییر معنا گردد و «تغییر معنا» چیزی نیست جز «تغییر نسبت». از این جواب نقضی که بگذاریم جواب حلی آن به ضرورت انتزاع و شروع از مفاهیم انتزاعی در تعریف باز می گردد که در جواب سؤال ۲ می آید.

جواب سؤال (۲): ادامه بررسی سؤال اول، ما را به بررسی سؤال دوم سوق می دهد که دامنه اش محدود به روش تعریف نیست، سؤال این بود که شروع از انتزاع در تعریف، در دستگاه فکری که همه مفاهیم را متقوم به یکدیگر می داند چه موضوعیتی دارد؟ بر مبنای نظام ولایت،

اگر انتزاع و تجرید امور از یکدیگر به تقوم آنها به هم نیانجامد «قدرت تصرف در خارج» و «امکان مفاهمه با غیر» به اندازه کافی فراهم نمی‌گردد، در صورت محال بودن و حذف تجرید نیز قدرت تصرف و امکان مفاهمه به اندازه لازم وجود نخواهد داشت و این از اصول مهم روش تعریف است.

به همان دلیل که در کلی نظام فاعلیت وجود سه سطح فاعلیت منحوری، تصرفی و تبعی ضروری بوده در نظام نسبتها و روابط، از جمله نظام مفاهیم نیز باید لزوماً سه سطح مفاهیم منحوری، مفاهیم تصرفی و مفاهیم تبعی وجود داشته باشد و همان رابطه‌ای که بین این سه سطح فاعلیت در نظام فاعلیت هست در نظام مفاهیم نیز وجود دارد یعنی تبعیت مفاهیم تبعی از مفاهیم تصرفی و تولی مفاهیم تصرفی به مفاهیم منحوری همانگونه که در نظام فاعلیت، فاعل تبعی رابطه فاعلهای تصرفی واقع شده و وسیله تصرف او قرار می‌گرفت. مفاهیم نیز دارای سطوحی می‌باشند که در تصرفات برخی منزلت منحوری، برخی منزلت تصرفی و برخی منزلت تبعی را دارند و همانگونه که فاعل تبعی در نظام فاعلیت وسیله ارتباط (یعنی متصرف فیه فاعل تصرفی و فاعل منحوری) قرار می‌گرفت، نقش مفاهیم تبعی نیز چنین است و بدون آن، مفاهیم کاربردی نشده و امکان تصرف در سطوح مختلف روابط از بین می‌رود. ضرورتاً باید توجه داشت که بکارگیری مفاهیم تبعی و کارآمدی آنها در این منزلت براساس مشروط ملاحظه نمودن آنها و نه مطلق انگاشتن آنها می‌باشد.

با اندکی تأمل به بخوبی روشن می‌گردد که جایگاه مفاهیم انتزاعی نیز در مبنای نظام ولایت

ضرورت انتزاع در مقدمات تعریف

تعیین گردیده و معلوم می‌شود که قدرت شمول نظام ولایت منوط به کارآمدی هر دسته از مفاهیم در جای خود می‌باشد که در هر منزلت از جمله نظام تعریف می‌بایست جایگاه آن مشخص گردد. در این راستا باید گفت «مفاهیم تجربیدی»، «مفاهیم تبعی» را در این نظام فکری تشکیل داده و بدون آنها تصرف در غیر و مفاهیم با غیر ناممکن می‌گردد. بنابراین مفاهیم تجربیدی در دستگاه نظام ولایت جایگاه دارند، اما نه جایگاه رفیع محوری یا تصرفی، بلکه جایگاه تبعی داشته و در منزلتی قرار دارد که به عنوان مقدمه تعریف ضروری است؛ اما ختم تعریف به آن اشتباهی است فاحش؛ با این توضیح، معنای اینکه در جواب سؤال (۱) گفته شد: «استقلال شاخصه‌ها (سه قید) از هم صحیح است؛ اما نه استقلال مطلق بلکه استقلال تبعی» واضح‌گشت، تبعی بودن مفاهیم انتزاعی بدین معناست که تغییر در آن براساس تغییر نسبت موجود در آن (مفاهیم تصرفی) صورت می‌پذیرد.

انتزاع مفاهیم در تعریف کاربردی در صورتی صحیح است که مقدمه برقراری نسبت بین آنها بوده و برقراری نسبت، مقدمه به وحدت رسیدن کثرات باشد به نحوی که وحدت به کثرت تقوم داشته باشد و برعکس، اما انتزاعی که در همان مرحله متوقف گردد و یا به وحدتی که کثرت در او منحل شده و از آثاری حقیقی برخوردار نیست، بیانجامد و یا به وحدتی که وجه اشتراکی عام بیش نیست، ختم گردد؛ صحیح نبوده و طریق مناسبی برای ارائه تعاریف کاربردی نیست.

حاصل این دو سؤال و جواب در ربط با بحث جاری در متن (تحلیل شاخصه‌ها) این می‌شود که شروع تعریف لزوماً باید از مفاهیم انتزاعی (که در جدول تعریف به عنوان شاخصه‌های

انتزاعی شناخته می‌شوند) بوده باشد، اما این مفاهیم انتزاعی با برقراری نسبت بین شاخصه‌ها به وسیله تحلیل، به مفاهیم تصرفی و با گذر از طبقه‌بندی موضوعات و آثار به مفاهیم محوری خواهد رسید، لذا تجرید به عنوان «مقدمه مشروط» برای تعریف پذیرفته بوده و از ارکان تعریف و تفاهم به شمار می‌آید که بر سایر مراحل تعریف تقدم داشته و حضور آن به نحو اشاعه تا آخرین مراحل وجود دارد، اما حضوری تبعی نه حضور محوری یا تصرفی!